

کشمیر و ادبیاتِ فارسی

محمد عرفان*

اگر فردوس بر روی زمین است همین است و همین است و همین است

مقدمه

کشمیر منطقه‌ای در شمال و در بالاترین منطقه هندوستان است، به همین دلیل آن را تاج هندوستان هم می‌گویند این منطقه به خاطر هوای خوب، آب زلال، رودخانه‌ها و دریاچه‌هایش، کوه‌های برفی سر به فلک کشیده، گل‌های رنگارنگ، باغ‌ها و آبشارهای دلاویز، میوه‌های خوش مزه، درخت‌های سایه‌دار چنار و جنگل‌های وسیعش در سراسر جهان شهرت دارد. وادی کشمیر در پای این کوه‌های سر به فلک کشیده قرار دارد. این سرزمین همیشه سیاحان و جهانگردان بسیاری را به خود جلب کرده است.

در همان ابتدا اسم این سرزمین را به زبان سانسکریت کشمیر گذاشتند. قدیمی‌ترین ساکنان کشمیر به قول راج‌ترنگینی (Rajtrangani) مردمانی بودند به اسم تاگار که به معنای مار است، و احتمال می‌رود واژه کشمیر از نام کاساها گرفته شده باشد. مهابهارتا اساطیر هندی کاشترا (Kashtra) را جنگجوی شمال هند به شمار می‌آورد.^۱ علامه دهخدا در لغت‌نامه درباره کشمیر می‌نویسد: ایالتی است واقع در شبه جزیره هند در کوه‌های هیمالیا و نهر سند آن را مشروب می‌سازد. کشمیر از نظر جغرافیایی به دو اقلیم تقسیم شده و سلسله جبال عظیم هیمالیا که از شمال شرقی به جنوب شرقی

* دانشجوی دکتری دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو.
۱. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۴، (انسایکلوپدیا بریتانیکا).

امتداد دارد، حدّ فاصل آن دو است. اقلیم جنوب غربی آن پُرجمعیت‌تر است و درّه کشمیر که از لحاظ زیبایی مناظر طبیعی مشهور است. در آن قرار دارد و اقلیم شمال شرقی کوه‌های پُربرف قره کوررم را دربردارد. ایالت کشمیر که از نظر سیاسی به «جامو و کشمیر» شهرت دارد، دارای ۸۶ هزار کیلومتر مربع وسعت است که از این مساحت ۳۱۲۰۰ متر مربع آن در تصرف پاکستان است و یک هشتم مساحت کل آن اراضی جنگلی است. ساکنان این ولایت به سال ۱۹۴۱ م به چهار میلیون تن می‌رسید که ۷۸ هزار تن آنها از هندوها و سیکها بودند و بقیه مسلمان. مرکز آن شهر سرینگر است با ۲۸۵ هزار جمعیت، این ایالت از شمال و شرق به تبت و چین و از جنوب به هندوستان و پاکستان و از غرب به پاکستان و افغانستان محدود می‌باشد و از نظر سوق الجیشی موقعیتی ممتاز دارد. اقتصاد ایالت جامو و کشمیر برکشت و زرع استوار است و محصولات حیوانی نیز قسمتی از احتیاجات اقتصادی را برآورده می‌کند.

کشمیر به سال ۱۵۸۶ م به امپراطوری سلطان اکبر پیوست، و از سال ۱۷۵۷ میلادی افغانها بر آن چیره شدند و از سال ۱۸۲۰ میلادی، تحت حکومت سیکها درآمد و در ۲۸ اکتبر سال ۱۹۴۷ م مهاراجه کشمیر «هاری سنگ» پیوستن خود را به دولت جدیدالتأسیس هندوستان اعلام داشت.^۱

غلام محی‌الدین صوفی درباره کتاب «راج‌ترنگینی» می‌نویسد:

«راج‌ترنگینی فقط یک هدیه گران قیمت نیست، بلکه از نظر هنر شاعری هم یک کار برجسته‌ای است. مؤلف آن خود را به عنوان شاعر معرفی کرده است. بدون تردید ما می‌توانیم بگوییم که در این وقایع هیچ دستکاری یا تحریفی نشده، بلکه همان‌طور که مؤلف آن را نوشته، باقی مانده است. او تألیف این کتاب را در سال ۱۱۴۸ میلادی شروع کرد و در طول یک سال تمام آن را به پایان رساند. در این کتاب حدوداً فهرست چند دوره حکومت هم ذکر شده است. مؤلف این کتاب را به اسم پادشاه معروفی بنام «گوندا» اول آغاز می‌کند. این پادشاه در سال ۲۴۴۸

۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «کشمیر».

قبل از میلاد بر تخت نشست که بعداً در جنگی با کرشنا در شهر ماتورا کشته شد و در آن زمان شیواگرایی در کشمیر مرسوم بود.^۱

نگاهی به کاشی‌های معبد هارون نزدیک شهر سرینگر و همچنین ملاحظه مجسمه‌های قدیم کشمیر روشن می‌سازد که بناها و مجسمه‌های قدیم کشمیر و ایران تا چه اندازه باهم شبیه‌اند.

پادشاه اشوک ۲-۲۷۱ ق م، دین بودا را در کشمیر برای اولین بار معرفی کرد.^۲ «کنیشکا» در سال ۷۸ م کشمیر را فتح کرد^۳ و خصوصاً در زمان «کنیشکا» دین بودایی در کشمیر خیلی شهرت یافت. در سال ۵۱۰ م «مهر کلا» تخت کشمیر را به‌زور در دست گرفت.^۴ از او هنوز هم به‌عنوان فردی خشن و ظالم یاد می‌شود. بعد

در دوره «مکتاپیدا» (۷۶۱-۷۲۴ م) دین بودا و آئین هندی باهم گره خورده به‌دربار راه یافتند. در دوره «اونتی ورمن» (۸۸۵-۸۸۳ م) کشمیر در فلسفه و هنر معماری خیلی پیشرفت کرد. او با نام «اونتی ورمن» شهر را کشف کرد که هنوز به‌همین نام معروف است. در سال ۹۵۰ میلادی مرد مشروب خور به‌نام «کیشما گیتا» (از خاندان لوهارو) پادشاه کشمیر شد. بعد او در سال ۹۵۸ م همسرش (دیدا) پسر «گیتا ایمانیو» را بر تخت نشاند و خودش تمام کارهای سلطنت را دست گرفت. و در سال ۹۸۱ م خود «دیدا» بر تخت نشست و بدین ترتیب پنجاه سال حکومت کرد. بعد از مرگ او در سال ۱۰۰۳ م فرزند برادرش «سنگرامی راجه» پادشاه کشمیر شد.^۵

در سال ۱۱۲۲ م «سوسالا» از خاندان لوهارای بر تخت سلطنت جلوس کرد. کلهن «راج‌ترنگنی» را در زمان «سوسالا» نوشت. «مهادیوا» در سال ۱۳۰۱-۱۳۲۰ م بر کشمیر حکومت کرد و همین زمان بود که دین اسلام وارد کشمیر شد و مردم زیادی به‌این دین جدید گرویدند. در دربار «مهادیوا» سه نفر برجسته وجود داشتند، ۱- رام چندرا

۱. ملّا محی‌الدین صوفی، کشمیر، ج ۱، ص ۳۶.

2. *History of India*, Smith, p.154.

3. *Rajrangini*, English translation, p.30.

4. *Early History of India*, N. Smith, p.310.

5. *Rajrangini*, English translation, Introduction, p.221.

(صدر اعظم)، ۲- شاه میر، مرد مسلمانی که به قول صاحب تاریخ حسن از سوات آمده بود، ۳- رینچن (شهزاده لداخ که همراه نظامیان خود به کشمیر آمده بود). مؤرخین رینچن (م: ۱۳۲۰ م) را اولین پادشاه مسلمان کشمیر نوشته‌اند.

شهمیر در سال ۷۴۲/۱۳۴۱ م بر تخت نشست. این پادشاه بنیانگذار خاندان شهمیر در کشمیر است. در دوره آنان اسلام و زبان فارسی خیلی پیشرفت کرد. مؤلف تاریخ کشمیر ملّا محی‌الدین صوفی می‌نویسد که محمود غزنوی ارتش راجه سامگرا را در سال ۱۰۱۵ م شکست داد، اما نتوانست وارد کشمیر شود.^۱

ملّا عبدالقادر بدایونی در تصنیف منتخب‌التاریخ می‌نویسد: که محمود غزنوی سه بار به کشمیر حمله کرده است.^۲

کشمیریان طبعاً متمایل به تصوّف و عرفان و مردمان با ذوق و متخیل هستند و این خاصیت به علت محیطی است که در آن زندگی می‌کنند. کوه‌های پُربرف، رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای مصفا و گوشه‌های ساکت و عاری از هیاهویی که در این وادی به کثرت یافت می‌شود، اقتضای خیال‌پروری و شعردوستی در آنان می‌کند. این وادی زیبا و آرام مهد مقدّسین و مردم تارک‌الدّیبا و یوگی‌هایی که به ریاضت‌های شاقّه می‌پردازند بوده است.

مذهب بودایی که از قرن سوم قبل از مسیح تا قرن چهارم میلادی یعنی برای مدت هفتصد سال در این سرزمین نفوذ داشت و اصول و فلسفه ودانتا و تعلیمات تصوّف اسلامی عواملی بوده‌اند که یکی پس از دیگری طبع مردم کشمیر را در قالب فلسفه عرفان ریخته و یا در ترویج و تشدید آن کمک کرده‌اند.

تاریخ روابط بین تمدنهای ایران و کشمیر خیلی قدیمی است، «فرنسیس برنیر» سیّاح معروف فرانسوی در کتاب سیاحت‌نامه خود می‌نویسد:

«کشمیریان مردمان بذله‌گو، نکته‌سنج و زیرکی هستند و نسبت به سایر هندیان با هوش‌ترند. در شعر و علوم از ایرانیان دست کم ندارند و در عین حال اشخاص زحمت‌کش و مستعدی هستند»^۳.

1. *Kashmir*, G.M.D. Sufi, p.95.

۲. منتخب‌التوریک از بدایونی، اردو ترجمه، ص ۳۸-۳۹.

۳. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۱۱۸ *Travels in the Mughal Empire*.

در دوران حکومت هندوها در کشمیر نیز مسلمان‌ها در آنجا وجود داشته‌اند اگرچه تعدادشان خیلی کم بود و با کشورهای اسلامی ارتباط داشتند و با سند و ملتان و تبت ارتباط راسخ داشتند.^۱

روابط فرهنگی بین کشمیر و سرزمین اسلامی از قدیم‌الایام مشاهده می‌شود، چنانکه نگاهی به کاشی‌های معبد هارون نزدیک شهر سرینگر و همچنین ملاحظه مجسمه‌های قدیم کشمیر روشن می‌سازد که بناها و مجسمه‌های قدیم کشمیر و ایران تا چه اندازه باهم شبیه‌اند.^۲

علاوه بر این استعمال اصطلاحات قدیم اداری فارسی در کشمیر مثل دبیر (به صورت دویر) و گنج‌آور نیز نشان دهنده نفوذ فرهنگی اسلامی در کشمیر می‌باشد.^۳

”ورود رسمی دین اسلام در کشمیر را به‌ورود میر سید علی همدانی در کشمیر منسوب کرده‌اند. در این شکی نیست که به‌دست مقدس ایشان جهالت و ظلمت به‌طور کلّ ریشه کن شد. اما در این هم شکی نیست که بذر دین مبین اسلام قبل از تشریف‌آوری ایشان نیز در کشمیر کاشته شده بود. تاریخ گواه است که کشمیر جای رفت آمد تجار و نظامیان مسلمان بوده است، هرچند روابط سیاسی هندوستان و عرب بعد از اسلام استوار شد. اما قبل از ورود اسلام نیز تجار عرب با هندوستان در مناطق صحرائی ارتباط داشتند.“

ولی روابط کشمیر با ایران از قرن سیزدهم میلادی به‌سبب رفت و آمد مبلغین دین اسلام به‌طور مستقیم شروع شد. سید شرف‌الدین عبدالرحمن معروف به‌بلبل شاه اولین کسی بود که به‌عنوان مبلغ مروج دین اسلام وارد کشمیر شد. بعد از آن صوفی‌ها و مبلغان اسلام گروه‌گروه به‌این منطقه وارد شدند که مهم‌ترین آنها میر سید علی همدانی بود که به‌صورت دست جمعی و در گروه‌های بزرگ چند صد نفری به‌خاطر فشارها از همدان و دیگر نقاط ایران گریختند و به‌کشمیر پناه بردند و دین اسلام را همراه با زبان

۱. معارف کشمیر میں مسلمان، چاپ ۱۹۸۰ م، ص ۲۳۲ تا ۲۳۸.

۲. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۲۰.

۳. همان.

فارسی در این منطقه گسترش بخشیدند. به همین دلیل زبان فارسی در میان مردم کشمیر درجهٔ زبان مذهبی را دارا است. حدوداً پس از گذشت صد سال از ترویج اسلام، زبان و مخصوصاً شعر فارسی در کشمیر ریشهٔ خود را محکم کرد و شاهان شهمیری زبان و ادبیات فارسی را حفظ کردند: (سلطان شهاب‌الدین ۱۳۷۳-۱۳۵۴، سلطان قطب ۱۳۸۹-۱۳۷۳، سلطان سکندر ۱۴۱۳-۱۳۸۱ م و سلطان زین‌العابدین ۱۴۷۰-۱۴۲۰ م). در زمان سلطان زین‌العابدین فارسی زبان رسمی کشمیر اعلام شد و مؤرخان و شاعران در همین زبان آثار خود را نگاشتند. سلاطین شهمیری چندین از آثار مذهبی هندوان از قبیل «راج‌ترنگنی» و «مهابهارتا» را از سانسکریت به فارسی ترجمه کردند و در عهد سلطنت مغول، تعداد فارسی‌سرایان در کشمیر بسیار اضافه شده، پادشاهان مغول سخن دوست بودند و آنها در گسترش زبان و ادبیات فارسی نه فقط در کشمیر بلکه در سراسر هند نقش مهمی را ایفا نمودند.^۱

ایم.ای. ستائن می‌نویسد:

”تبلیغ و ترویج اسلام در کشمیر جبراً و قهراً نبوده است، بلکه مردم بتدریج با اراده و اختیار خودشان به این دین گرویدند و برای تبلیغ و ترویج اسلام توریستهای جنوبی و آسیایی میانه فضا را سازگار نموده‌اند“^۲.

شاعران پارسی به‌عللی چند از کشمیر یاد کرده و اوصاف خاص برای آن برشمرده‌اند و از جهات مختلف کشمیر نزد آنان شهرت داشته است که ذیلاً برخی از آن شاعران را ذکر می‌کنیم: فرّخی سیستانی، منوچهری، قطران، خواجوی کرمانی، مولانا جامی، امیرالدین اخسیکتی، قطران تبریزی، شیخ سعدی، امیر معزی، شیخ عطار، نظامی گنجوی، علامه اقبال، فیضی فیاضی، عرفی شیرازی، ظفر خان احسن - شاعر کشمیری (در عهد شاهجهان)، شیخ شهاب‌الدین سندی (شاعر عربی) و غیره.

شیخ سعدی می‌گوید:

آن کیست که می‌رود به‌نخچیر پای دل دوستان به‌زنجیر

۱. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۳۶.

۲. راج‌ترنگنی، ستائن، مقدمه، ص ۱۳۰.

همشیره جاودان بابل همسایه گلرخان کشمیر
ظفر خان احسن از صوبه داران کشمیر در عهد شاهجهان درباره این قلمرو بهشت
آیین خود چنین گوید:

هزاران نازای کشمیر بر باغ جنان داری
که در فصل خزان هم خوش بهار زعفران داری
هزاران گل بود فصل خزان در باغ کشمیرم
چه می نازی تو ای کابل همین یک ارغوان داری^۱

نخستین بار در سال ۹۴۸ هجری، یکی از فرماندهان نظامی همایون شاه تیموری، میرزا حیدر دوغلت «کشمیر جنت نظیر» را تسخیر کرد و سپس اکبر شاه بزرگ در سال ۹۹۶ هجری این سرزمین را که بنا به گفته سخنوران و نویسندگان عهد تیموریان «فردوس روی زمین» بوده است جزو متصرفات دولت تیموری هند قرار داد.^۲
بعد از دوره شهگیری دوره چک شروع شد. شاهان چک هم فارسی زبان بودند و برای رواج و ادبیات فارسی کمره مت بستند. حسین شاه چک ۷۰-۱۵۶۳ م مدرسه بزرگی به عنوان مدرسه حسین شاه تأسیس نمود.^۳

این سرزمین در زمان اکبر شاه از دست شاهان چک کشمیر به تصرف مغولها درآمد و این پادشاه ذوالقدر آن را به اسم باغ خاص یاد می کرد، جهانگیر پسر اکبر شاه که نسبت به سایر پادشاهان آن خانواده خیلی بیشتر به کشمیر علاقه داشت، می خواست همیشه در کشمیر بماند و آن را از سایر قسمت های قلمرو وسیع خود بیشتر دوست داشت.^۴

به علت علاقه شدیدی که امپراطوران تیموری به کشمیر داشتند، بسیاری از مؤرخان زمان به نوشتن تاریخ محلی این ولایت پرداختند. نخستین کتابی که در تاریخ این ناحیه به زبان فارسی نوشته شده «تاریخ کشمیر» بوده که شاه محمد شاه آبادی آن را به دستور

۱. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۱۶.

۲. تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۲۷۱.

۳. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۳۸.

۴. همان، ص ۱۸.

اکبر شاه بزرگ از تاریخ معروف سانسکریت موسوم به «راج ترنگینی» ترجمه کرده و نخستین تاریخ مستقلی که مستقیماً به زبان فارسی تألیف شده «نامه شاهان کشمیر» است که نویسنده‌ای ناشناس در عهد جهانگیر شاه تیموری در سال ۱۰۲۳ هجری، به رشته تحریر درآورده است.^۱

سیاح معروف برنیئر در سال ۱۶۵۹ م به هند آمد و در سیاحت‌نامه خود می‌نویسد: مغول‌ها کشمیر را بهشت روی زمین می‌پندارند.^۲ شاهجهان که دوران حکومت وی از لحاظ امن و ثبات و کارهای آبادانی و عمرانی و ساختمانهای تاریخی عهد زرین تاریخ دوره

تاریخ کشمیر تاریخ عمومی کشورهای همجوار و معاصر با دولت تیموری هند و کشمیر مانند ایران و ماورالنهر را نیز شامل است.

میانه هند به شمار می‌رود خودش علاقه مفراطی به هنر و هنرمندان داشت.

دکتر آفتاب اصغر می‌نویسد:

”در زمان اکبر و خصوصاً جهانگیر ارتباط بین کشمیر و شاهان مغول خوب بود، و تاریخ کشمیر به زبان فارسی نوشته شده است“^۳.

جهانگیر در ایام سلطنتش در ایجاد عمارات و تزئین باغ‌ها و ایجاد تعمیر مدارس و مساجد و حمام‌ها کوششی فراوان نمود و در این کار همسرش نورجهان که دارای شخصیت مهم تاریخی و ادبی بود، ذوق و سلیقه خود را نشان داد که نمونه را می‌توان در ساختمان باغ شالیمار و تعمیر قصرهای «مانسابل» «واچه بل» و «ویر ناگ» و غیره جستجو کرد. جهانگیر در حکومت خود هفت تن از امراء خود را به نوبت به صوبداری (حکمرانی) کشمیر نامزد کرد که عبارتند:

۱- نوآب قلیچ خان از ۱۰۱۵ تا ۱۰۱۹ هـ؛

۲- کاشم خان از ۱۰۱۹ تا ۱۰۲۱ هـ؛

۱. تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۲۷۱.

۲. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۱۹.

۳. تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۱۹۷.

۳- صفدر خان از ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۴ هـ؛

۴- احمد بیگ خان از ۱۰۲۴ تا ۱۰۲۷ هـ؛

۵- دلاور خان از ۱۰۲۷ تا ۱۰۲۹ هـ؛

۶- ارادت خان از ۱۰۲۹ تا ۱۰۳۲ هـ؛

۷- اعتقاد خان از ۱۰۲۳ تا ۱۰۳۷ هـ (در این سال جهانگیر وفات یافت)^۱.

پس از جهانگیر پسرش خرّم بعد از یک سلسله جنگ‌های داخلی به کمک و یاری آصف خان پدر زنش به حکومت هند رسید و در تاریخ به «شاهجهان» مشهور است.^۲ شاهجهان در دوره حکومت خود چهار بار به کشمیر مسافرت کرد. مسافرت اوّل در سال ۱۶۳۴ میلادی صورت گرفت و در حین مسافرت بود که راجه «بهیر» اعلام قبول اسلام نموده، به خطاب راجه دولت‌مند مشرف گردید. سفر دومین به سال ۱۶۴۵ م و آخرین سفر به سال ۱۶۵۱ م به وقوع پیوست. شاهجهان در ظرف این مدت هفت حاکم بر کشمیر گماشت که به ترتیب عبارتند:

۱- اعتقاد خان از ۱۰۳۷ تا ۱۰۴۳ هـ؛

۲- ظفر خان احسن از ۱۰۴۳ تا ۱۰۵۱ هـ؛

۳- شاهزاده مراد بخش از ۱۰۵۱ تا ۱۰۵۲ هـ؛

۴- علی مردان خان از ۱۰۵۲ تا ۱۰۵۳ هـ؛

۵- ظفر خان (بار دوم) از ۱۰۵۳ تا ۱۰۵۷ هـ؛

۶- تربیت خان از ۱۰۵۷ تا ۱۰۵۹ هـ؛

۷- حسن بیگ خان از ۱۰۵۹ تا ۱۰۶۱ هـ؛

۸- علی مردان خان (بار دوم) از ۱۰۶۱ تا ۱۰۶۷ هـ؛

۹- لشکر خان از ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۰ هـ.^۳

۱. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۵۰.

۳. همان، ص ۵۲.

عالمگیر به‌خلاف پدر و نیاکان خود فقط یک‌بار به‌مسافرت کشمیر پرداخت و آن هم برای اینکه بعد از بیماری شدید در سال ۱۰۷۵ هـ/ ۱۶۶۴ م در هوای مطبوع این خطه جنت نظیر تجدید قوای جسمانی و روحانی بکند. سه ماه در کشمیر ماند و به‌دهلی برگشت.

حاکمان زمان عالمگیر:

- ۱- لشکر خان که در سال ۱۰۶۷ هجری در زمان شاهجهان مقرر شده بود تا سال ۱۰۷۰ هجری باقی‌ماند.
- ۲- اعتماد خان ۱۰۷۰ تا ۱۰۷۳ هـ؛
- ۳- ابراهیم خان ۱۰۷۳ تا ۱۰۷۴ هـ؛
- ۴- اسلام خان ۱۰۷۴ تا ۱۰۷۵ هـ؛
- ۵- سیف خان ۱۰۷۵ تا ۱۰۷۸ هـ؛
- ۶- مبارز خان ۱۰۷۸ تا ۱۰۷۹ هـ؛
- ۷- سیف خان (بار دوم) ۱۰۷۹ تا ۱۰۸۲ هـ.

در دوره جهانگیر چند کتاب تاریخی مهم درباره کشمیر تألیف شده است که عبارتند از: ۱- نامه شاهان کشمیر یا بهارستان شاهی (مؤلف ناشناس) ممکن است مؤلف محمد حسن قادری بوده است. ۲- تاریخ کشمیر از حیدر ملک کشمیری؛ ۳- تاریخ طاهری از طاهر محمد تنوی؛ ۴- مجهول‌الاسم در حدود ۱۰۲۴ هجری حسن بن علی کشمیری (تاریخ کشمیری) این تاریخ مشتمل است بر تاریخ کشمیر از عهد باستانی تا سال ۱۰۲۴ هجری مقارن با سال دهم سلطنت جهانگیر و برای آشنایی به‌اوضاع و احوال کشمیر در عهد سلطنت اکبر شاه کبیر ۱۰۱۶-۹۶۳ هجری و شاه جهانگیر ۱۰۳۷-۱۰۱۶ هجری. نسخه‌ای از این اثر مجهول‌القدر در کتابخانه بودلیان به‌شماره ۳۱۵ موجود است.

تاریخ کشمیر از حیدر کشمیر یا ملک کشمیری: تاریخ مذکور براساس مستندترین تاریخها نوشته شده و معروف‌ترین و در عین حال با ارزش‌ترین تاریخ سلسله

۱. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۵۶.

تاریخ‌های محلی کشمیر است و توسط یکی از رجال معروف عهد جهانگیر به نام رئیس‌الملک در سال ۱۰۳۰ هجری به‌رشته تحریر درآمده است.

پس از روی کار آمدن پادشاهان گورکانی و تسخیر کشمیر استاندارانی که به‌این سرزمین اعزام شدند بیشتر ایرانی‌النسل بودند.

محتویات این اثر مشتمل است بر تاریخ کشمیر از عهد باستان تا شانزدهمین سال جلوس جهانگیر ۱۰۳۰ م (نسخه ایندیا آفیس) علاوه بر این، تاریخ کشمیر عمومی کشورهای همجوار و معاصر با دولت تیموری هند و کشمیر مانند ایران و ماورالنهر را نیز شامل است.^۱

شعرای دربار پادشاهان گورکانی همیشه

چشم براه بودند تا بتوانند در مرکب شاهانه به‌مسافرت و سیاحت کشمیر پردازند و با دیدن مناظر زیبای آن سرزمین الهام‌بخش، روح خلاق سخن آفرین خود را تازگی و طراوتی بخشند. این مسافرت‌های شاهانه با تشریفات خاصی همراه بود و مرکب امپراطوری راههای پُرخطر را پشت سر گذاشته به‌کشمیر می‌رسید، شعرای دربار خوش‌آمد می‌گفتند و در عوض آن صله‌های گرانبها اخذ می‌نمودند.

«تذکره شعرای کشمیر» تألیف اصلح متخلص به «میرزا» است که در دوره محمد شاهی (۱۱۶۱-۱۱۳۱ هـ) نوشته شده است.^۲ در این تذکره او ۳۰۵ شعراء را ذکر کرده است و چند اشعار به‌طور نمونه آورده است. در این تذکره از عالمگیر تا محمد شاه شعرا را ذکر است. به‌قول سید حسام‌الدین در این تذکره چند اشتباه وجود دارد. در این تذکره چند نفر ذکر شده‌اند که فقط چند ماه در کشمیر زندگی کرده بودند و چند نفر که حتی به‌کشمیر نرفته بودند.^۳ در این کتاب شرح ۳۰۵ شاعر همراه با شعر آنها ذکر شده است. شاعران که اصلح در تذکره آورده است: آذر هندوی، دلاور خان آزاد، میرزا فقیرالله آفرین، آقا صفی صفاهانی، آگه، صلاح‌الدین آگه، شیخ عبدالسلام آگه، ملا ایکم،

۱. تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۱۹۷.

۲. مقدمه حسام‌الدین، ص ۱۵.

۳. همان.

میرزا شفیعی اثر، نواب احترام خان، خواجه احسان، نواب اخلاص کیش خان، میرزا ادراک اصفهانی، میرزا استغنا، میر اسدالدین بخاری، محمد اصلح اشهر، اطهر خان اطهر، علی اکبر اکبر، شیخ قمرالدین اطهر، معزز خان افسر، محمد اسحاق، قزلباش خان امید شاهجهان آبادی، میرزا شریف الهام، خواجه الله داد، امیر چک، خواجه انور، مولانا اوجی، میرزا ایما، ایمن، شیخ عطاءالله باقی، میرزا بدیعای سمرقندی، میرزا بقائی طباطبایی، ارسلان بیگ بهادر، میرزا بیانا، بی پروا، بیژن خان، بلاقی بیگ بیکس کابلی، شیخ محمد مؤمن بینا، بالچند بینوا، پرتو، میرزا محسن تأثیر، شاه رضای تسلیم اصفهانی، حبیب الله خان تمکین، مولوی ملا رحمت الله تمکین، عبدالغنی تمکین، ملک سلطان تمکین، شاه تمنا، میرزا محمد فضایل خان تمنا، عبداللطیف خان تنها اصفهانی، توفیق، خواجه ضیاءالله جامع، علی قلی بیگ جرأت، میرزا محمد علی جم، میرزا فتح الله جناب، میرزا ارجمند بیگ جنون، میرزا جوهری، حاجب، میرزا اسمعیل حجاب، شاه محمد رضای حشم، توله راز حشمت، نواب حفیظ الله خان، شیخ عبدالحمید، حیدر، محمد رستم حیدر، میرزا فتح الله حیرت، خادم، شاه خاشع، امتیاز خان خالص مشهدی، خاموش، میر صدیق خان خان، نواب خاندوران، خرسند، ملا حیدر خصلی، میرزا خلیل، ملا فخرالدین دانا، ملا ذهنی کشمیری، میرزا محمد علی رایج، عنایت الله راضی، رأفت، میرزا رفیع یزدی، ملا محمد رفیع رافع، میرزا صدرالدین محمد راقم، راگو پندت راگو، راهب هندوی، ربط قلندر، ملا ربیعا، محمد خلیل رضا، مرزا حسین بیگ رسا، محمد نعیم رسا، میر کمال الدین رسوا، ملا عبدالرشید، میرزا رشید، رضا، نواب ابراهیم خان رفعت، منشی محمد رفیع، روح الامین، نواب روح الله خان، ملا حبیب الله خان رونق، سلطان علی بیگ رهی، ریاضی، زکی، نواب زیب النساء بیگم، حاجی فریدالدین سابق، ملا عبدالحکیم ساطع، سالار، ابوالقاسم سالک، اسلم خان سالم، خواجه عبدالله سالی، شیخ شمس الدین سامع، ملا عبدالحق سامع، میرزا سابر، میرزا محمد طاهر سخنور، سرشار، سده رینه هندوی، سعید بابای مشکلاتی، سکندر، شیخ سلیم، سوید، نواب سید صلابت، شاپور، شاپور طهرانی، شادمانی غزالی، میرزا نورالدین محمد شارق، ملا عصمت الله شاکر، محمد عارف شاکر، نواب حسن خان شاملو، شاهد، عبدالعزیز شائق، ملا عبدالوهاب شائق، حکیم حسن شفائی، نواب حکیم الملک شهرت، لاله ملک شهید،

صابر، صاحب حکیم کاظم صفاهانی، میرزا صادق دستغیب، حضرت شاه صادق، میرزا صالح بیگ، صامت صفاهانی، صامت کشمیری، آقا رضای صبا، صفی کلی خان، صلح خان، نواب ابوالبرکات صوفی، ملا محمد صوفی مازندرانی، شیخ مسلم صنعی، میرزا لطف الله بیگ صهبا، میر صیدی صفاهانی، محمد طاهر طاقت، طبعی، میر طبعی کشمیری، ابوظفر ظفر، شاه عاجز، شاه ابراهیم عبرت، کریم الله خان عاشق، محمد عاشق، شیخ عبدالرحیم عاصی، نعمت الله خان عالی، عزیز خان، عشرت، شیخ عطاءالله عطا، میر عطاءالله عطا، میر باقی علوی، میر طاهر علوی، نواب نوازش خان رونی غافل، میرزا بیگ غافل، غروری سبزواری، میرزا فیض الحق غنا، آقا عبدالله غواص، خواجه غیاث، ملا فرح الله، محمد بیگ فرصت، محمد شفیع علیم، میر علی عین، ملا محمد علی غیرت، میرزا ابوالفتح فاتح شیروانی، فاخر، میر بدرالدین فارغ، محمد بیگ فارغ بدخشانی، محمود بیگ فارغ بدخشانی، فامی، عبدالشکور فائق، میر فائق لاهوری، فخری، شاه عبدالقادر فدائی، ملا فرخ الله کشمیری، میرزا فرهاد، میرزا فصیح، بابا فغانی، فوقی، بابا فولاد، ابوالقاسم، میرزا قاسم کاشانی، قانع، عبدالغنی بیگ قبول، قلعه دار خان، شاه عارف قلندر، میرزا قلندر، قیصرای هراتی، میرزا سیف الله کافی، میرزا بیگ کامل، میرزا کلامی، حیدر کلوخ، حکیم کوچک، حکیم رحمت الله کوچک، شاه شمس الدین گدا، میرزا گرامی، شاه گلشن، میرزا شریف شام، محمد حسین لایح، لباس، حکیم لطف الله، میرزا لطف الله اصفهانی، ملا لکنت، محمد علی خان متین، میر محمد هاشم، نواب سعدالله خان هدایت، شیخ عبدالله مجرم، شاه مجنون، خواجه محسن خان، میر محمود، قاسم خان مخلص کشمیری، مخلصای کاشی، شاه مدهوش قلندر اصفهانی، میر مرتضی حیدر، خواجه امان الله مروّت، مستغنی کشمیری، مستور، شیخ محمد مسلم، شاه رضائی مشتاق، شاه مشرب، ملا مشربی، مشفق، حاجی مطیع، مظہرا، ملا مظہری، معدوم، ملا محمد عالم معرفت، میر محمد معروف، میرزا حسین بیگ معلوم، معین، میرزا مقصود کاشی، ملتفت خان، شاه ممتاز، شیخ رحمت الله ممتاز، میر شاه حسین مناسب، میرزا روح الله منتخب، ملا عبدالرحیم منجم، نواب فاضل خان منصف، حاجی شریف منصور، میرزا منیر، مرتضی قلی خان موالی، مؤمنانی شیرازی، مظفر مهدی، مهری، محمد زمان نافع کشمیری، ملا عبدالغفور نامی، میر نجات، نجیبا، میان نورالله

نزهت، نسیم، دلاور خان نصرت، نصیرای اصفهانی، میرزا اسدالله نصیر، نصیر طوسی، مولانا نظمی، قاسم نقاص، علی نقی، سخنور خان نکهت، فرهاد بیگ نیاز، حسن وارسته، نواب حفیظ علی خان وارسته، واصب، اصل، ارادت خان واضح، اسحاق بیگ وافی، محمد طیب وافی، خواجه نورالله واله، میرزا حسن بیگ واهب صفاهانی، حضرت شیخ عبدالاحد وحدت، محمد ثناء خان وحشت، وداد دهلوی، ویشه لاله، میرزا عبدالهادی، حضرت خواجه هاشم درویش، خواجه هاشم دیوانی، میمنت خان هما، محمد زمان بیگ همّت، محمد اشرف یکتا، میرزا یوسف بیگ شاملو، جلال الدین یوسفی. (تذکره شعرای کشمیر تألیف اصلح متخلص میرزا، چاپ اقبال آکادمی کراچی، آبان‌ماه ۱۳۴۶ خ. به تصحیح سید حسام‌الدین راشدی).

”سید حسام‌الدین راشدی در حواشی این کتاب می‌نویسد که در مورد شعرای کشمیر مختصر ذکری از کتابهای تاریخ و تصوف داشته است. مثلاً ۱- واقعات کشمیر یا تاریخ اعظمی؛ ۲- تاریخ حسن در سه جلد است. جلد آخر مشتمل بر شعراء است؛ ۳- تاریخ مشاهیر کشمیر با ریشی‌نامه از داود خاکی. ۴- تحفة الاحباب، مؤلف نامعلوم؛ ۵- اسرار برادر از داود خاکی؛ ۶- خوارق السالکین از احمد بن عبدالصبور کشمیری؛ ۷- فتحیاب کبرویه از شیخ عبدالوهاب؛ ۸- فتوحات قادریه از ملا حسین قادری؛ ۹. تحفة الفقراء از محمد مراد تینگ؛ ۱۰- خلاصة المناقب از نورالدین جعفر بدخشی؛ ۱۱- منتخب الجواهر، حیدر بدخشی“^۱.

در مقدمه تذکره شعرای کشمیر، حسام‌الدین راشدی می‌نویسد: ”در عهد سیک‌ها ادبیات فارسی کشمیر ضایع شد. ولی چند کتاب برای ادبیات فارسی و شعرا فارسی چاپ شد. مانند: ۱- سوانح غنی کشمیری، به کوشش منشی محمدالدین فوق مرحوم؛ ۲- مزارالشعراء که سنه ۱۹۴۴ م چاپ شد؛ ۳- بد شاه؛ ۴- نگارستان کشمیر از قاضی ظهورالدین ناظم سیوهاری ۱۳۵۲ ش. ۵- کشمیر، دکتر غلام محمدالدین صوفی در سال ۱۹۴۴ م. (ذکر شعرای کشمیری است)؛ ۶- بهارستان گلشن کشمیر، بهارستان گلشن کشمیر، این کتاب مشتمل بر شعرای کشمیری فارسی‌گو است و در دو جلد

۱. تذکره شعرای کشمیر، اصلح، مقدمه سید حسام‌الدین راشدی، ص ۶.

ضحیم است. مؤلف کتاب پندت برج کشن بیخبر و پندت جگموهن ناته رینه. هردو باهم این را تألیف کرده‌اند؛ ۷- تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر؛ ۸- فهرست شعرای کشمیر، در این کتاب ۲۵۴ شاعر را نام برده است و حکومت پاکستان آن را در سال ۱۹۶۳ میلادی چاپ کرد؛ ۹- ادبی دنیا (کشمیر اختصاصی) به کوشش محمد عبدالله قریشی در سال ۱۹۶۶ م منتشر شد؛ ۱۰- نصرت (کشمیر اختصاصی) جناب حنیف رای در سال ۱۹۶۰ میلادی منتشر کرد و سه مقاله چاپ کرد: ۱. کشمیر فارسی شاعری میں (کشمیر در شعر فارسی)؛ ۲. از حفیظ هوشیارپوری؛ ۳. کشمیر کے فارسی شعراء (شعرای فارسی کشمیر)؛ ۴. غنی کشمیری از جناب منور کشمیری؛ ۱۱- پارسی سرایان کشمیر، تذکره دکتر تیکو که در سال ۱۳۴۲ ش در ایران منتشر شد؛ ۱۲- پاکستان میں فارسی ادب (ادبیات فارسی در پاکستان)، دکتر ظهورالدین احمد در سال ۱۹۴۴ از لاهور چاپ شد در این کتاب چند شعرا و ادبای فارسی کشمیر را ذکر کرده است؛ ۱۳- کشمیر کے فارسی شعراء بعد مغول (شعرای فارسی کشمیر در دوره مغول) این پایان‌نامه در انگلیسی برای اخذ درجه دکتری از دانشگاه پنجاب از دکتر محمد ظفر است. در این پایان‌نامه هم شاهان مغول و شاعران آن عهد را ذکر کرده است. هر باب برای یک پادشاه است. در اینجا ۶۰ شاعر کشمیری را ذکر کرده است.^۱

شاهان مغول توجه خاصی به تعمیر و آبادانی کشمیر معطوف داشتند و هرگاه فرصتی پیدا می‌شد برای گذاردن تابستان و گریز از گرمای جانکاه آگره و دهلی و لاهور به کشمیر پناه می‌بردند. حکمرانانی که از طرف پادشاهان به فرمانداری آن استان مقرر می‌شدند به پیروی از پادشاهان خود به پرورش و تربیت علماء و فضلاء و شعرا می‌پرداختند و جنبش‌های ادبی و فرهنگی دربار آگره و دهلی آنان را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. پادشاهان دهلی و استانداران کشمیر همواره برای اشاعه فرهنگ و علم در این سرزمین کوشا بودند. علاوه بر مساجد و خانقاه‌ها که مرکز درس و بحث علما و صوفیان بود، مدارس نیز دایر گردید که از آن جمله است. مدرسه بنام درسگاه معلی حیدر که در عهد جهانگیر در نزدیکی باغستان‌های خوش آب و هوای شهر سرینگر

۱. تذکره شعرای کشمیر، اصلح، سید حسام‌الدین راشدی، مقدمه.

بنا شد. تشویق و تقدیر این پادشاهان فقط بر شعرا محدود نبود، نویسندگان و علماء را نیز فرصتی اظهار لیاقت و انجام کارهای مهم و تخلیق آثار علمی فراهم آورد.

”در عصر مغول شعر فارسی در کشمیر وضع خاصی به خود گرفت. پیش از مغول سرپرستان و مشوقان شعر و ادب فارسی سلاطین بودند و سلیقه قضاوتشان مبنی بر آشنایی کتبی و غیره مستقیم از شعر فارسی بود و برای آنان زبان بیگانه‌ای محسوب می‌شد. آنان شعر را از

در زمان اقامت ظفر خان در کشمیر تمام شعرای معروف وقت مانند: صائب و کلیم و قدسی و غنی و دانش در منزل او گردهم جمع شده، مشاعره تربیت می‌دادند.

جنبه اوزان و قوافی و ذکر فلسفه و افکار مذهبی و غیره می‌دیدند و احساس و دلنشینی که برای اهل زبان دارای اهمیت زیادی است نزد ایشان در درجه دوم قرار می‌گرفت.^۱ پس از روی کار آمدن پادشاهان گورکانی و تسخیر کشمیر استاندارانی که به این سرزمین اعزام شدند بیشتر ایرانی‌النسل بودند و آنان کسانی را مورد تشویق قرار داده و از کلامشان تقدیر می‌کردند که بر مقیاس آنان درست آیند. از جمله کسانی که در کشمیر به پیشرفت و توسعه زبان و ادبیات فارسی کمک بزرگی کرده‌اند ظفر خان احسن است. میرزا احسن الله پسر خواجه ابوالحسن تربتی خراسان ملقب به «ظفر خان» که «احسن» تخلص می‌کرد استاندار کشمیر را دوبار به عهده داشت. عهد او اهمیت خاصی دارد، زیرا مشاعره را در کشمیر رواج داد و این رسم باعث ترقی و پیشرفت شعر به خصوص غزل فارسی گردید و تعداد زیادی از شعرای کشمیر به غزلگویی پرداختند. ظفر خان خود شاعر بود و دیوانش تقریباً مشتمل بر دو هزار بیت می‌باشد. وی که به تربیت و پرورش شعراء همّت گماشته بود بیاضی داشت که هر شاعر با خط خود شعری چند در آن می‌نوشت و در پشت همان اوراق

۱. تذکره شعرای کشمیر، اصلح، سید حسام‌الدین راشدی، ص ۶۶.

عکسی از آن شاعر ترسیم می‌کرد ولی این بیاض گرانها اکنون از بین رفته است^۱.

ظفر خان احسن یکی از معروفترین حکمرانان کشمیر عهد شاهجهان خود شعر می‌سرود و در وصف کشمیر چنین گوید:

کشمیر مگر رشک پریشانه چین است القصه بهشتی است که بروی زمین است
در زمان اقامت ظفر خان در کشمیر تمام شعرای معروف وقت مانند: صائب و کلیم و قدسی و غنی و دانش در منزل او گردهم جمع شده، مشاعره تربیت می‌دادند. از جمله شعرای فارسی زبان کشمیر را که در زمان این سه پادشاه گورکانی در کشمیر می‌زیسته‌اند می‌توان اوجی - ذهنی - محمد صالح ندیم، فطرتی، ملا حمدی، محمد ابراهیم طلوعی، حافظ محمد خیالی، جمیل بیگ علوی، میر عبد فریبی، ملا مظهری، حبیب الله گنایی، ملا محسن فانی، ملا محمد طاهر فانی، ملا فروغی، عبدالرسول استغنا، ملا صبحی، محمد زمان نافع، ملا محمد ناطق، درویش یوسف، دیوان شاه، آذر برهمن، میرزا داراب بیگ جويا، میرزا کامران بیگ گويا، میرزا اکمل الدین بدخشانی کامل، محمد اسلم سالم، لاله ملک شهید و غیره را نام برد. از این میان ما شاعری را می‌شناسیم که بر هردو زبان فارسی و کشمیری شعر می‌گفت. او حبیب الله گنایی است که تخلص فارسی او «حبیب» و تخلص کشمیری «اوجی» است و مطالب و افکاری که او به‌دو زبان مطرح می‌کرد. از لحاظ معنی و فکر یکی است. بیشتر اشعار او دارای افکار صوفیانه و عرفانی می‌باشد:

زهی حالی که در وی لا نگجد چه حدّ لا در او الا نگنجد
مقامی برتری از چند و چونی است که در وی کیف و کم اصلا نگنجد
بگویم یک سخن من پوست کنده که آنجا بنده و مولا نگنجد^۲

ابوطالب کلیم ملک الشعراى شاهجهان (م: ۱۰۶۱ هـ) چون به کشمیر می‌آمد. تمام رنج و المهای زندگی و خستگی‌های روحی و فکر را از یاد می‌برد. وی این موضوع را

۱. شعرالعجم، شبلی، جلد سوم، ص ۱۵.

۲. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۶۸.

در اشعار خود بدین گونه بیان می‌دارد. ابوطالب در وصف کشمیر قصیده زیاد سروده است. چند شعر از آن‌ها در ذیل ذکر شده است:

چرا آشفته‌ای ای چرخ دلگیر تماشا کن که کشمیر است و کشمیر

*

پر از گل دشت و کوه و راغ بینی هزاران باغ را یک باغ بینی

*

بیاکه مجمع خوبان دلربا اینجاست کرشمه با همه اینجا و نازها اینجاست
قدم ز نقطه کشمیر بر نمی‌گیریم مقیم مرکز عیشیم و جای ما اینجاست
مده به‌غاوت بیگانه کشور دل خویش که ترک ناز نگاه‌های آشنا اینجاست
کجا بهشت کجا بزم باده زاهد اگر به کسب هوا می‌روی هوا اینجاست^۱

حاجی محمد جان قدسی دوره شاهجهان ۱۰۵۶ هجری در سرینگر مدفون شده است. شعر در توصیف کشمیر زیاد سروده است. جهانگیر شاه برای زیبایی کشمیر عمارات و باغها را تعمیر کرد، چشمه آصف‌آباد به دست شاهجهان طرح‌ریزی شده و باغ فرخ‌بخش به وسیله جهانگیر شاه در سال ۱۰۲۹ هجری طراحی شد.

می‌بینیم که کشمیر همیشه مرکز صوفیه و عرفای اسلام بوده است و آنان با زندگی ساده و بی‌آلایش در تبلیغ اسلام و ترفیع احوال روحانی مردم تلاش شایانی می‌کردند و از جمله می‌توان اسم خواجه معین‌الدین نقشبندی، خواجه محمد بزاز کشمیری، حاجی مصطفی رومی نقشبندی، خواجه حبیب الله کانی، و آخوند ملّا طیب و میان محمد دار بردا را نام برد. بیشتر این صوفیان پیرو طریقه نقشبندیه بوده، از تعلیمات شیخ احمد سرهندی و خلفای ایشان پیروی می‌کردند و چنانکه خواجه اعظم در واقعات کشمیر در ذیل احوال میان محمد امین دار می‌گوید نام‌برده کشف و کرامات از خود ظاهر نمی‌ساخت و به آن اعتراض داشت.^۲

ملّا محسن فانی شاعر معروف کشمیر در حلقه دوستان و مریدان داراشکوه بود.^۳

۱. بزم تیموریه، جلد دوم، مرتبه سید صباح‌الدین عبدالرحمن، مطبع اعظم‌گه، ص ۸۴.

۲. غنی کشمیری، شیروانی، ص ۱۰۰.

۳. همان، ص ۹۴.

عَلَّامَه مُحَمَّد اقبال به کشمیر و شاعران کشمیری ارادت داشت، در شعرش از آنان بسیار یاد می‌کند. کشمیر ایران صغیر گفته می‌شود. اقبال می‌گوید:

امروز کشمیر ہے محکوم و مجبور و فقیر کل جسے اہل نظر رکھتے تھے ایران صغیر^۱

(امروز آن کشمیر محکوم و مجبور و تھی دست است کہ دیروز صاحبان نظر آن را ایران کوچک می‌گفتند).

عَلَّامَه اقبال دربارهٔ میر سید علی ہمدانی نیز می‌گوید:

آفرید آن مرد ایران صغیر با ہنرہای غریب و دلپذیر^۲

در جاویدنامہ می‌گوید:

غنی آن سخنگوی بلبل صغیر نواسنج کشمیر مینو نظیر
شاعر رنگین نوا طاہر غنی فقر او باطن غنی طاہر غنی

زنان کشمیر از زیباترین زنہای دنیا بہ شمار می‌روند. آنان دارای رنگ سرخ و سپید، چشمان سیاہ، گیسوان مشکی و دراز، قامت و قیافہ جذّاب می‌باشند. حسن و زیبایی کشمیریان الہام بخش شعرا و بالاخص شعرای فارسی زبان بودہ است. چنانکہ خواجہ شیراز فرماید:

بہ شعر حافظ شیراز می‌گویند و می‌رقصند سیہ چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی
ملّا ظہوری:

بہ ترکان غارتگر صبر و ہوش بہ کشمیریان ملاحظت فروش
طاہر غنی کشمیری می‌گوید:

کشمیر از صباحت روشنگر جمال است

حسن سیاہ اینجا گر ہست خال خال است

مردم کشمیر ہنرمندان و صنعتکاران نیکو ہستند و در امور کشاورزی باغبانی و بستانکاری مہارت دارند. در کارہای دستی چون قلم زنی روی چوب و یا ظروف نقرہ و مس و برنج و غیرہ نیز توانا و ماہراند. آنان نیز چون سایر ہنرمندان مشرق زمین در فقر و تنگدستی بہ سر می‌برند و بہ قول شاعر، عرفی شیرازی:

۱. ارمغان حجاز، ص ۲۵۸.

۲. جاویدنامہ، ص ۵۸.

هر سوخته جانی که به کشمیر درآید گر مرغ کباب است که با بال و پر آید

*

ندیدم در بسیط دهر هرگز هنرمندی چو او محتاج نانی

منابع و مأخذ:

۱. ابوالفضل، به تصحیح مولوی عبدالرحیم، اکبرنامه، ۱۸۸۷ م.
 ۲. اقبال، علامه محمد، جاویدنامه، لاهور، ۱۹۸۲ م.
 ۳. جهانگیر، به تصحیح سید احمد: توزک جهانگیری، علیگره، ۱۸۶۴ م.
 ۴. دهخدا، علامه، لغت‌نامه، شرکت چاپ ۱۲۸، تهران، آبان‌ماه ۱۳۴۶ ه.ش.
 ۵. راشدی، سید حسام‌الدین: تذکره شعرای کشمیر، چهار جلد، لاهور، ۱۹۷۲ م.
 ۶. سکسینه، دکتر بنارسی پرشاد، مترجم اردو: سید اعجاز حسین، تاریخ شاهجهان، قومی کونسل برای فروغ اردو زبان، آر.ک. پورم، دهلی‌نو.
 ۷. شوشتری، پرفسور عباس مهرین، تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران، تهران، ۱۳۵۲ ه.ش.
 ۸. شیروانی، دکتر ریاض احمد، غنی کشمیری احوال و آثار، اکیدمی آرت کلچر، سرینگر.
 ۹. فرشته، محمد قاسم، تاریخ فرشته، ترجمه اردو عبدالحی خواجه، شیخ غلام علی ایند سنز، کراچی.
 ۱۰. کمبو، محمد صالح، شاهجهان‌نامه، ترتیب و تحشیه دکتر غلام یزدانی و دکتر قریشی، مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۶۷ م.
 ۱۱. معانی، احمد گلچین، کاروان هند در احوال و آثار شاعران صفوی که به هندوستان رفته‌اند، جلد اول، مشهد، ۱۳۶۹ ه.ش.
 ۱۲. نقوی، دکتر سید علی رضا، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، نگارش مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۹۶۴ م.
 ۱۳. هرینس مکھیا (رشید ملک، مترجم اردو) عهد وسط‌کابندوستان، فکشن رود، ۱۸، لاهور.
- Bazmi P N, Kaul: *A History of Kashmir*, New Delhi, 1973.
 Kapur, M.L.: *The History and Culture of Kashmir*, Jammu, 1982.
 Sufi, GMD: *Islamic Culture in Kashmir*, New Delhi, 1979.
 Stein, M.A. Kalhan: *Rajtarangini*, A Cronicle of the Kings of Kashmir, Vol I, Delhi, 1961.